



بازرگانی داخلی

نظری اجمالی به تورم و توزیع درآمد در کشور

۱ - مقدمه:

توزیع نابرابر درآمدها وجود دارد. در حالیکه در یک اقتصاد سوسیالیستی چنین گرایش کمیتر است. با این حال از آنجا که اکثر اقتصاددانان پذیرفته اند که ثبات قیمتها و توزیع برابر درآمدها برای هر نظام اقتصادی مطلوب و بااهمیت است اغلب دولتها- اعم از آنکه در چه نوع نظام اقتصادی عمل می نمایند- بایستی برای نزدیک شدن به این اهداف بکوشند. برای چنین منظوری لازم است روابط بین این اهداف تا حدودی شناخته و روشن گردند.

برخی از اوقات کم توجهی به یکی از اهداف، بدلیل تأثیر متقابل ماهوی که بین متغیرها و اهداف اقتصادی وجود دارد موجب پیدایش مشکلاتی می گردد. توزیع برابر درآمدها تا حدود قابل ملاحظه ای تحت تأثیر تغییرات قیمتها قرار دارد. میزان

کنترل تورم و توزیع عادلانه درآمدها از مهمترین اهداف اقتصادی بشمار می روند. علاوه بر این ثبات قیمتها بعنوان معیاری جهت ثبات نظام اقتصادی کشورها و توزیع عادلانه درآمدها- و به تبع آن ثروتها- از جمله ملاکهای سنجش عدالت اقتصادی در نظامهای مختلف محسوب می گردد. از این رو دولتها که در حقیقت مجریان اهداف اقتصادی می باشند، تلاش دارند تا با بکارگیری سیاستهای مناسب به اهداف فوق نایل آیند. البته تحقق اهداف مذکور تا حدود زیادی به ماهیت نظام اقتصادی کشورها بستگی دارد، بعنوان مثال، در نظام اقتصاد سرمایه داری که بر پایه مکانیسم بازار استوار است، بالقوه گرایش به سمت تورم و خصوصاً

توزیع برابر درآمدها تا حدود قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر تغییرات قیمت‌ها
قرار دارد.

تعیین کننده توزیع درآمد و یا تورم نیست و این موضوع نیازمند بررسی دیگری می‌باشد. بنابراین ما با در نظر داشتن برخی از این عوامل صرفاً به بررسی رابطه این دو متغیر یا هدف اقتصادی می‌پردازیم و بدین منظور تنها بطور اجمال وجود همبستگی و یا عدم همبستگی بین آنها مطرح خواهد گردید، لذا مطالعات دقیقتر می‌تواند نتایج بهتر و بیشتری در این زمینه بدست دهد. ضمناً دوره مورد بررسی در این مقاله دوره ۲۱ ساله ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۷ می‌باشد و انتظار می‌رود تجربه این دوره نسبتاً طولانی که شاهد وقایع مهمی در اقتصاد کشور بوده، بتواند راهگشای آینده باشد علاوه بر این ذکر این نکته لازم است که آمارهای مربوط به توزیع درآمد در ایران بطور غیرمستقیم از آمارهای بودجه و هزینه خانوار (توزیع هزینه‌ها) بدست می‌آید که نمی‌توانند نمایانگر بدون عیب و نقص توزیع درآمدها باشند ولی بناچار و با اغماضهایی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. ولی باید توجه داشت که بدین ترتیب وضعیت توزیع درآمدها در کشور تحت تأثیر بیشتر کمکها و حمایت‌های دولتی از مصرف کنندگان می‌باشد!

این تأثیر باید شناخته شود. تا بدین ترتیب تصمیم‌گیریها دقیق‌تر انجام شوند. چنانچه می‌دانیم اهداف اقتصادی دولت‌ها در مواردی با یکدیگر سازگاری ندارند لذا در نهایت یکی از آنها به بهای فدا کردن دیگری انتخاب می‌شود. شناخت مقدماتی رابطه تورم و توزیع درآمد در کشور به تصمیم‌گیرندگان نشان می‌دهد که تا چه حد می‌توانند اهداف مفید - ولی تورم‌زا - را با توجه به ارتباطی که بین تورم و توزیع درآمد در کشور وجود دارد انتخاب نمایند. لذا در این مقاله سعی گردیده است تا بطریق آماری رابطه بین تورم و توزیع درآمد در کشور بررسی شود. بدین منظور در ابتدا نگاهی اجمالی و جداگانه به نرخ تورم و توزیع درآمد در کشور خواهیم داشت، سپس بطور اجمال به بحث تئوری و نظری در ارتباط با رابطه تورم و توزیع درآمد می‌پردازیم، آنگاه با استفاده از شاخص‌های مختلف توزیع درآمد این رابطه را در کشور بررسی می‌نمائیم و پس از آن با توضیحی پیرامون رابطه سیاست‌های ضد تورمی و توزیع درآمدی، همراه با نتیجه‌گیری از مجموعه مطالب ارائه شده مقاله را خاتمه می‌دهیم.

قبل از پرداختن به مباحث ذکر شده توضیح این نکته ضروری است که در این مقاله قصد ما شناسائی عوامل مؤثر و

(۱). بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. آمار- اقتصادی. شماره ۳ (سال ۱۳۶۸) ص ۱۷.

۲ - نگاهی به روند نرخ تورم در کشور

سال ۱۳۵۹ و همزمان با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نرخ تورم تقریباً دو برابر می‌گردد و به $23/5$ درصد در این سال افزایش می‌یابد. نرخ تورم در سال ۱۳۶۰ با کاهش جزئی به ۲۳ درصد رسیده و پس از آن با بهبود اوضاع و افزایش درآمدهای نفتی و واردات بتدریج روند نزولی نرخ تورم آغاز گردیده، تا آنکه در سال ۱۳۶۴ به $6/5$ درصد رسیده است. رقمی که تا قبل از سال ۱۳۵۱ وجود نداشته است. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ با دلیل طولانی شدن جنگ از طرفی و کاهش شدید درآمدهای نفتی از سوی دیگر نرخ تورم با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه می‌شود بطوری که از $6/5$ درصد در سال ۱۳۶۴ به $23/6$ درصد در سال ۱۳۶۵ و $27/8$ درصد در سال ۱۳۶۶ و نهایتاً به $28/9$ درصد در سال ۱۳۶۷ افزایش می‌یابد.

۳ - نگاهی به توزیع درآمد در کشور

وضعیت توزیع درآمد در کشور نیز طی دوره مورد بررسی بدلیل مسائل گوناگون پیش آمده صورتهای مختلفی بخود گرفته است. چگونگی توزیع درآمد بوسیله شاخص‌های مختلفی محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود. به منظور بدست آوردن اطلاعات کلی راجع به وضعیت توزیع درآمد معمولاً از ضریب جینی^۲ استفاده می‌شود. مقادیر این

در فاصله سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۷ اقتصاد کشور وضعیتهای مختلفی را به لحاظ تغییرات قیمت‌ها تجربه کرده است. شاخصهای گوناگون اندازه‌گیری نرخ تورم با اختلافات جزئی این وضعیتهای را نشان می‌دهند. از آنجا که بحث توزیع درآمد و آمارهای مربوطه به خانوارها و افراد برمی‌گردد، در این بررسی صرفاً به تغییرات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی توجه می‌نمائیم. بر اساس این شاخص نرخ تورم کشور در سال ۱۳۴۷ برابر $1/6$ درصد بوده است، جدول (۱). تا سال ۱۳۵۲ این نرخ با نوساناتی افزایش و کاهش می‌یابد. از این لحاظ این دوره را می‌توان دوره تورم پائین و یا یک رقمی دانست. از سال ۱۳۵۲ شاهد بروز نرخ تورم دورقمی در کشور هستیم. این نرخ که در سال ۱۳۵۲ معادل $11/4$ درصد بوده و در سال ۱۳۵۳ به $15/5$ درصد افزایش می‌یابد. بجز سال ۱۳۵۴، تا پیروزی انقلاب اسلامی این روند ادامه داشته و حتی تشدید نیز گردیده است؛ ضمن آنکه در سال ۱۳۵۴ نیز نرخ تورم تقریباً دورقمی بوده و با استفاده از حربه واردات تا بدین پایه کاهش یافته است.^۱ طی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ نرخ تورم نسبت به سالهای قبل کاهش یافته و به ترتیب به $9/9$ و $11/2$ درصد می‌رسد. در

(۱). ر. ک: گمرک جمهوری اسلامی ایران. آمار بازرگانی خارجی کشور سال ۱۳۶۵. (تهران: گمرک



جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶).

جدول (۱): شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و تغییرات آن ۱۳۴۷-۶۷

سال	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	درصد تغییر (نرخ تورم)
۱۳۴۷	۱۸/۶	۱/۶
۱۳۴۸	۱۹/۳	۳/۷
۱۳۴۹	۱۹/۵	۱
۱۳۵۰	۲۰/۶	۵/۶
۱۳۵۱	۲۱/۹	۶/۳
۱۳۵۲	۲۴/۴	۱۱/۴
۱۳۵۳	۲۸/۲	۱۵/۵
۱۳۵۴	۳۱	۹/۹
۱۳۵۵	۳۶/۱	۱۶/۴
۱۳۵۶	۴۵/۱	۲۴/۹
۱۳۵۷	۴۹/۶	۹/۹
۱۳۵۸	۵۵/۲	۱۱/۲
۱۳۵۹	۶۸/۲	۲۳/۵
۱۳۶۰	۸۳/۹	۲۳
۱۳۶۱	۱۰۰	۱۹/۱
۱۳۶۲	۱۱۴/۷	۱۴/۷
۱۳۶۳	۱۲۶/۵	۱۰/۲
۱۳۶۴	۱۳۴/۸	۶/۵
۱۳۶۵	۱۶۶/۷	۲۳/۶
۱۳۶۶	۲۱۳/۱	۲۷/۸
۱۳۶۷	۲۷۴/۷	۲۸/۹

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه. مجموعه اطلاعاتی (قوانین و آمار). (تهران: سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۹).

۲. این ضریب برای اولین بار توسط کورادو جینی (Corrado Gini) برای بیان نحوه توزیع درآمدها محاسبه و ارائه شده است. وی این ضریب را با استفاده از فرمول $\text{Log}N = P + Z \text{Log} Ax$ بدست آورده است. در این فرمول N تعداد افراد صاحب درآمد برابر با درآمد معین X یا بیشتر از آن، Ax جمع درآمدهای بیشتر از X و Z مبین درجه نابرابری توزیع درآمدهاست. این ضریب از صفر که مبین جامعه‌ای با برابری کامل درآمدهاست تا یک که نشانگر جامعه‌ای با توزیع کاملاً نابرابر درآمدهاست تغییر می‌کند.

در سال ۱۳۵۹ همزمان با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نرخ تورم تقریباً دو برابر گردیده و به ۲۳/۵ درصد می‌رسد.

به نحو قابل ملاحظه‌ای برابر گردیده است. در صورتی که رقم ارائه شده صحیح محاسبه شده باشد این کاهش ناگهانی قابل مطالعه است. از سال ۱۳۶۲ روند متعادل‌تری در حدود سالهای قبل از ۱۳۵۱ آغاز می‌شود. لیکن این روند به میزان اندکی نزولی است؛ یعنی توزیع درآمدها گرایش به برابرتر شدن دارند. چنانچه ملاحظه می‌گردد، ضریب جینی که در سال ۱۳۶۵ برابر ۰/۴۶۶ بوده در سال ۱۳۶۷ به ۰/۴۳۸ رسیده است. به این ترتیب تقریباً با سه دوره توزیع مختلف درآمدها طی سالهای ذکر شده مواجه هستیم: سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ که توزیع درآمدها نابرابر ولی نوسانات آن جزئی بوده است سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۰ که توزیع درآمدها نابرابرتر می‌شود و سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ که مجدداً توزیع درآمدها به وضعیت سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ برمی‌گردد. نکته جالب توجه آنکه بالاترین رقم ضریب جینی و پائینترین رقم آن در سالهای مورد اشاره بلافاصله پس از یکدیگر قرار دارند (سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱).

ضریب برای سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۷ در جدول (۲) آورده شده است. در توزیع کاملاً برابر درآمدها این ضریب معادل صفر و در توزیع کاملاً نابرابر معادل یک می‌باشد. بدین ترتیب باید گفت توزیع درآمد در کشور در کلیه سالهای مورد بررسی نابرابر بوده است. (البته توزیع کاملاً برابر درآمدها نه میسر است و نه از نظر اقتصاددانان لزوماً مطلوب) لیکن شدت نابرابری طی سالهای مختلف تغییر کرده است. ضریب جینی که در سال ۱۳۴۷ برابر ۰/۴۷۰۱ بوده است، در سال ۱۳۴۸ با بهبود توزیع به ۰/۴۴۱۴ می‌رسد. مجدداً در سال ۱۳۴۹ به مقدار قبلی خود (۰/۴۷۰۱) افزایش می‌یابد که بیانگر نابرابرتر شدن درآمدها می‌باشد. توزیع درآمدها در سال ۱۳۵۰ مجدداً بهبود پیدا کرده و در سال ۱۳۵۱ با افزایش اندکی بدتر می‌شود. در سال ۱۳۵۲ ضریب جینی به شدت افزایش یافته و به ۰/۵۱۴۹ می‌رسد. این وضعیت بجز کاهش مختصری که در سال ۱۳۵۳ پیش می‌آید تا سال ۱۳۶۰ ادامه می‌یابد.

در سال ۱۳۶۰ ضریب جینی به بالاترین حد خود طی دوره مورد بررسی (۰/۵۳) رسید در حالی که در سال ۱۳۶۱ این ضریب کاهش قابل ملاحظه‌ای را نشان داد؛ به این معنا که توزیع درآمدها

جدول (۲): وضعیت توزیع درآمدها در کشور (ضریب جینی). ۱۳۴۷-۶۷.

سال	ضریب جینی	سال	ضریب جینی
۱۳۴۷	۰/۴۷۰۱	۱۳۶۰	۰/۵۳
۱۳۴۸	۰/۴۴۱۴	۱۳۶۱	۰/۴۳۴
۱۳۴۹	۰/۴۷۰۱	۱۳۶۲	۰/۴۴۰
۱۳۵۰	۰/۴۴۵۰	۱۳۶۳	۰/۴۵۳
۱۳۵۱	۰/۴۵۰۴	۱۳۶۴	۰۰۰
۱۳۵۲	۰/۵۱۴۹	۱۳۶۵	۰/۴۶۶
۱۳۵۳	۰/۴۷۲۵	۱۳۶۶	۰/۴۴۶
۱۳۵۴	۰/۵۱۷۳	۱۳۶۷	۰/۴۳۸
۱۳۵۵	۰/۵۰۲۳		
۱۳۵۶	۰/۵۱۴۴		
۱۳۵۷	۰۰۰		
۱۳۵۸	۰/۵۱۱۹		
۱۳۵۹	۰۰۰		

.... - رقم در دسترس نیست.

مأخذ:

- ۱- سازمان برنامه و بودجه. شاخص های توزیع درآمد در ایران، ۵۹-۱۳۴۶ (تهران: سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۱) - ص ۱۵.
- ۲- مرکز آمار ایران. شاخص های نابرابری توزیع درآمد در استانهای کشور در سالهای ۱۳۶۳ - ۱۳۵۶.

۴ - رابطه تورم و توزیع درآمد (بحث کلی)

توزیع برابر درآمدها تفاوتی نیز وجود دارد و آن اینک اساساً ثبات قیمتها و یا تورم مهار شده جزء اهداف کوتاه مدت دولتها بحساب آمده در حالیکه برابر نمودن توزیع درآمدها در شمار اهداف بلند مدت دولتها قابل بحث است. تثبیت و حفظ ثبات قیمتها در کنار تأمین اشتغال کامل و حفظ تعادل تراز پرداختها از اهداف جاری و یا کوتاه مدت دولتها هستند، در حالیکه توزیع برابر درآمدها

کنترل تورم (تثبیت قیمتها) و توزیع برابر درآمدها چنانچه بیشتر نیز بدان اشاره نمودیم از اهداف مهم دولتها محسوب می گردند. دولتها با بکارگیری ابزار و سیاستهای اقتصادی سعی در رسیدن به این اهداف دارند. لیکن از این لحاظ بین ثبات قیمتها و

به همراه توسعه اقتصادی، بهبود در تخصیص منابع، بهبود در نوع مصرف و بهبود در تأمین نیازمندیهای عمومی، از اهداف بلندمدت دولتها بشمار می‌آیند.^۱

به لحاظ آثار عوارض، هم تورم و هم توزیع نابرابر درآمدها در بردارنده عوارض منفی و تبعات نامساعد گسترده‌ای می‌باشند. تورم علاوه بر اثر منفی زیادی که از لحاظ توزیع درآمدها بجای می‌گذارد، دارای آثار سوئی بر پس‌انداز، مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری، بودجه دولت و تعادل تراز پرداختها نیز می‌باشد.^۲ توزیع نابرابر درآمدها همچنین اختلافات اقتصادی - به تبع آن اجتماعی - وسیعی را در میان اقشار مختلف جامعه فراهم می‌آورد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که توزیع نابرابر درآمدها از جمله عوارض تورم نیز محسوب می‌گردد زیرا تورم از قدرت خریدوارزش خرید درآمدها می‌کاهد و صاحبان درآمدهای ثابت و کلیه افرادی که نمی‌توانند درآمدهای خود را متناسب با تغییر (افزایش) قیمتها تغییر دهند متضرر می‌گردند. (این قبیل افراد عموماً از اقشار فقیر و یا متوسط جامعه هستند) در حالیکه صاحبان درآمدهای بالا و متغیر نه تنها قادر به انطباق خود با چنین وضعیتی هستند بلکه حتی در مواردی قادرند از آن نیز

پیش‌تر روند. بطوری که نرخ رشد درآمدها و ثروت‌هایشان بیش از نرخ رشد قیمتها نیز باشد. در اینجا مهم این است که قیمت برخی از کالاها و درآمد برخی از اقشار جامعه بشدت افزایش می‌یابد «این اختلاف سطح موجب می‌شود که درآمد حقیقی (و همچنین سهم درآمدی) بعضی از طبقات و گروهها به ضرر طبقات و گروههای دیگر افزایش یابد»^۳ لذا انتظار می‌رود با افزایش تورم توزیع درآمدها به سمت نابرابرتر شدن سوق پیدا کند.

عبارت عام و مشهور «تورم فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌کند» بیان ساده و گویائی از مسائل فوق است، توزیع ناعادلانه درآمدها بتدریج ساختار جامعه را تغییر داده و شکاف بین اقشار مختلف را از جهات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افزایش می‌دهد و بدنبال آن تنشهایی بوجود می‌آید. مردم از آن جهت از تورم بیم و نگرانی دارند که وضعیت نسبی درآمدی و یا قدرت خریدشان تغییر کرده یعنی توزیع درآمدها بدتر گردیده است.

در ادامه این مقاله هدف بدست آوردن نکته فوق در کشور است. آیا نرخ تورم بر توزیع درآمدها تأثیر گذاشته است یا خیر؟ آیا تورم توزیع درآمدها را نابرابرتر کرده است یا خیر؟ بدین منظور به مقایسه نرخ تورم و

(۱). ر. ک: محمود منتظرظهور، مقدمه‌ای بر مبانی سیاست اقتصادی. (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۹)

ص ص ۱۲-۳۵.

(۲). ر. ک: احمد کتابی. تورم. (تهران: مؤلف، ۱۳۶۰) ص ص ۶۵ تا ۷۸.

(۳). همان، ص ۶۵.

توزیع درآمدها در کشور در کلیه سالهای مورد بررسی نابرابر بوده است. در سال ۱۳۶۰ ضریب جینی به بالاترین حد خود (۰/۵۳) طی دوره مورد بررسی رسیده است.

آماري مستقیمی بین این دو مسأله وجود داشته باشد. نگاهی اجمالی و مقایسه‌ای به آمارهای نرخ تورم و ضریب جینی توزیع درآمد کشور در سالهای مورد بررسی به کمک استفاده از مدل رگرسیون ساده وجود چنین رابطه‌ای را تأیید نمی‌نماید. جدول (۳). بعبارت دیگر در طول این دوره همراه با افزایش (کاهش) نرخ تورم شاهد افزایش (کاهش) ضریب جینی نمی‌باشیم.^۱

البته چنانچه ارقام نیز نشان می‌دهند رابطه معکوس بین نرخ تورم و ضریب جینی چندان قوی نیست. لذا نتیجه این اقدام نشان دهنده عدم وجود رابطه معنی داری بین این دو متغیر است. اکتفا کردن به نتایج فوق در صورتی که نگاه دقیقتری به ارقام مذکور داشته باشیم چندان صحیح نمی‌باشد.

از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ رابطه ارقام، مطابق نظریات موجود نیست. یعنی با افزایش نرخ تورم ضریب جینی کاهش و به عبارتی توزیع درآمدها بهتر شده است. طی سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ که تورم برخلاف سالهای قبل از نرخ بیشتری برخوردار است

شاخص‌های مختلف توزیع درآمد خواهیم پرداخت و با استفاده از مدل‌های همبستگی (رگرسیون ساده یک متغیره) رابطه بین این دو متغیر را بررسی خواهیم کرد. ابتدا این رابطه را در مورد نرخ تورم و ضریب جینی بررسی نموده و سپس به مقایسه نرخ تورم و سهم درآمدی گروه‌های مختلف و حداکثر شکاف درآمدی می‌پردازیم.

۵ - تورم و ضریب جینی توزیع درآمد در کل کشور

در این قسمت به مقایسه نرخ تورم و ضریب جینی توزیع درآمد - صرف نظر از آنکه کدامیک از گروه‌های درآمدها از آن متأثر گردیده‌اند - می‌پردازیم. از آنجا که با افزایش مقادیر ضریب جینی توزیع درآمدی نابرابرتر می‌گردد، برای آنکه نظریات مربوط به نرخ تورم و توزیع درآمد صحیح باشد بایستی با افزایش نرخ تورم ضریب جینی نیز افزایش یابد. بعبارت دیگر بایستی رابطه

(۱). ضریب رگرسیون B و پارامتر α ارقام زیر را نشان می‌دهند.

$$G = 0.46965 - 0.00249 P$$

$$R^2 = 0.0045 \quad t = 0.27026$$

G = ضریب جینی

P = نرخ تورم

جدول (۳): مقایسه نرخ تورم و ضریب جینی.

سال	نرخ تورم	ضریب جینی
۱۳۴۷	۱/۶	/۲۷۰۱
۱۳۴۸	۳/۷	۰/۴۴۱۴
۱۳۴۹	۱	۰/۴۷۰۱
۱۳۵۰	۵/۶	۰/۴۴۵۰
۱۳۵۱	۶/۳	۰/۴۵۰۴
۱۳۵۲	۱۱/۴	۰/۵۱۴۹
۱۳۵۳	۱۵/۵	۰/۴۷۲۵
۱۳۵۴	۹/۹	۰/۵۱۷۳
۱۳۵۵	۱۶/۴	۰/۵۰۲۳
۱۳۵۶	۲۴/۹	۰/۵۱۴۴
۱۳۵۷	۹/۹	-
۱۳۵۸	۱۱/۲	۰/۵۱۱۹
۱۳۵۹	۲۳/۵	-
۱۳۶۰	۲۳	۰/۵۲
۱۳۶۱	۱۹/۱	۰/۴۳۴
۱۳۶۲	۱۴/۷	۰/۴۴۰
۱۳۶۳	۱۰/۲	۰/۴۵۳
۱۳۶۴	۶/۵	-
۱۳۶۵	۲۳/۶	۰/۴۶۶
۱۳۶۶	۲۷/۸	۰/۴۴۶
۱۳۶۷	۲۸/۹	۰/۴۳۸

مأخذ: جدول ۲۰۱ - ارقام وجود ندارد

سه‌میه‌بندی و افزایش سوسیده‌ها از سال ۱۳۶۰، کاهش درآمدهای نفتی از سال ۱۳۶۵ و ... رخ داده‌اند که بروضعیت تورم و توزیع درآمد به اشکال متفاوتی تأثیر گذاشته‌اند. علاوه بر این بنظر می‌رسد در

رابطه بین دو متغیر مستقیم و مطابق نظریات است. در سال ۱۳۵۳ علی‌رغم افزایش نرخ تورم ضریب جینی کاهش می‌یابد. یعنی رابطه معکوس است که در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ نیز این رابطه معکوس به شکل دیگری وجود دارد. طی سالهای بعد با توجه به آنکه ارقام برای برخی از سالها در دسترس نیست تا سال ۱۳۶۵ تقریباً بین نرخ تورم و ضریب جینی توزیع درآمد، رابطه مستقیم وجود داشته است. (بجز سال ۱۳۶۲). ارقام سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ نیز وجود رابطه مستقیم را تأیید نمی‌نماید.

البته دلایل زیادی برای عدم انعکاس رابطه مستقیم بین نرخ تورم و ضریب جینی می‌تواند وجود داشته باشد. ممکن است استفاده از ضریب جینی برای توضیح چنین رابطه‌ای ناکافی و یا ناقص باشد.^۱ (در قسمتهای بعدی از شاخص‌های دیگر کمک خواهیم گرفت)، همچنین ممکن است طی سالهای مورد بررسی تأثیر سایر عوامل بر این دو متغیر به گونه‌ای بوده است که یافتن رابطه صحیح آماری بین نرخ تورم و توزیع درآمد را مشکل می‌نماید. طی سالهای مذکور اتفاقاتی نظیر: افزایش درآمدهای نفتی از سال ۱۳۵۳، بروز تورم شدید در سال ۱۳۵۶، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، وقوع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹،

(۱)، استفاده از ضریب جینی برای تحلیل توزیع درآمد دارای معایبی است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: مهدی بازوکی، توزیع درآمد و دوگانگی ساختار اقتصادی در کشورهای عقب‌نگهداشته شده مطالعه موردی ایران. رساله فوق‌لیسانس (تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، ص ۳۲.

ضریب جینی که در سال ۱۳۶۵ برابر ۰/۴۶۶ بوده در سال ۱۳۶۷ به ۰/۴۳۸ رسیده که از برابرتشدن توزیع درآمدها طی این سالها حکایت دارد.

تأثیرات بیشتری پذیرفته اند.

۶ - ۱ - مقایسه نرخ تورم و سهم ۱۰ درصد فقیرترین گروه درآمدی

بر اساس نظریات موجود انتظار می رود همراه با افزایش نرخ تورم سهم درآمدی ۱۰ درصد فقیرترین گروه درآمدی جامعه از مجموع درآمدها کاهش یابد (فقیر، فقیرتر گردد). از لحاظ آماری باید رابطه بین ارقام نرخ تورم و سهم درآمدی این گروه یک رابطه معکوس باشد. استفاده از مدل ساده اقتصادسنجی (رگرسیون ساده) وجود رابطه معکوس بین این دو متغیر را تأیید می نماید.^۲ این رابطه در سالهای ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۱، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ تضعیف گردیده است. سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بدلیل نرخ پائین تورم و سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ بدلیل تغییراتی که به لحاظ توزیع درآمدی بوقوع پیوسته است قابل توجه می باشد. با این حال انتظار نمی رود این رابطه معکوس کامل باشد.

میان متغیرهای دیگر اقتصادی توجه به نرخ رشد درآمد ملی ضرورت دارد. در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ کاهش نرخ رشد درآمد ملی بیش از سایر عوامل می تواند وجود رابطه معکوس بین نرخ تورم و ضریب جینی توزیع درآمد را توجیه نماید.^۱

۶ - بررسی رابطه تورم و سهم گروههای درآمدی

بدنبال بحث پیشین در این قسمت به بررسی رابطه تورم و سهم گروههای مختلف درآمدی می پردازیم بنظر می رسد استفاده از این سهم ها بیش از ضریب جینی می تواند رابطه بین نرخ تورم و توزیع درآمد را آنگونه که نظریات ذکر شده عنوان می کردند توضیح دهد. در این ارتباط مقایسه ای بین ارقام نرخ تورم و سهم درآمدی ۱۰ درصد فقیرترین، ۱۰ درصد ثروتمندترین، ۴۰ درصد پائین ترین درآمدها و ۲۰ درصد بالاترین درآمدها انجام می دهیم. این بررسی همچنین می تواند نشان دهد کدامیک از گروههای درآمدی از تورم

(۱). بر اساس آمارهای موجود نرخ رشد درآمدهای ملی طی سالهای مذکور به قسمت ثابت منفی بوده است. همچنین بر اثر مطالعات انجام شده رشد اقتصادی بالا در ایران با توزیع عادلانه درآمدها همراه نبوده است. ر. ک: همان، ص ۱۳۲.

ثبات قیمت‌ها و یا مهار تورم جزء اهداف کوتاه‌مدت اقتصادی دولت‌ها بحساب آمده در حالیکه برابر نمودن توزیع درآمدها در شمار اهداف بلندمدت دولت‌ها قابل بحث است.

کمتر بوده است.

۶-۳- مقایسه نرخ تورم و سهم درآمدی ۴۰ درصد پائینترین و ۲۰ درصد بالاترین گروههای درآمدی

با توجه به ارقام موجود در جدول (۴) مقایسه‌ای نیز بین سهم درآمدی ۴۰ درصد پائینترین درآمدها و ۲۰ درصد بالاترین درآمدها صورت گرفته است. این مقایسه نشان می‌دهد که رابطه سهم ۴۰ درصد پائینترین گروه درآمدی با نرخ تورم رابطه‌ای معکوس است، در حالیکه رابطه سهم درآمدی ۲۰ درصد بالاترین گروه درآمدی با نرخ تورم نیز معکوس می‌باشد. حالت اول مورد انتظار لیکن حالت دوم برخلاف انتظار است. نکته جالب اینجاست که افزودن ۳۰ درصد از گروههای درآمدی پائین به

۶-۲- مقایسه نرخ تورم و سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین گروه درآمدی

قبل از آنکه این بررسی را انجام دهیم انتظار داریم با افزایش نرخ تورم سهم درآمدی این گروه افزایش یابد؛ یعنی، بین این دو متغیر رابطه مستقیم آماری وجود داشته باشد. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که این رابطه برخلاف انتظار، مستقیم نیست؛ یعنی با افزایش نرخ تورم سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین گروه درآمدی کاهش داشته و بالعکس. این رابطه حتی از رابطه نرخ تورم با سهم درآمدی ۱۰ درصد فقیرترین گروه درآمدی ضعیف‌تر است.^۱ با توجه به این دو قسمت باید گفت با کاهش نرخ تورم توزیع درآمدها عادلانه‌تر می‌گردد. در اینجا نیز در تعدادی از سالها رابطه تضعیف گردیده، خصوصاً سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ که نرخ تورم بطور نسبی

▷ (۲). معادله رگرسیون این رابطه به صورت زیر بدست آمده است.

$$ID_1 = 1/888 - 0.02638 P$$

$$R^2 = 0.5251 \quad t = -4/0.72$$

ID_1 در اینجا به معنای Income Distribution است. و معرف سهم درآمدی ۱۰ درصد فقیرترین می‌باشد.

(۱): این رابطه بصورت زیر بدست آمده است.

$$ID_2 = 35/403 - 0.05736 P$$

$$R_2 = 0.0371 \quad t = -0.734$$

ID_2 در اینجا معرف سهم درآمدی ۱۰ درصد ثروتمندترین است

جدول (۴): مقایسه نرخ تورم و سهم درآمد گروههای مختلف درآمدی ۱۳۴۷-۶۷.

سال	سهم درآمدی فقیرترین ۱۰ درصد	سهم درآمدی ده درصد ثروتمندترین	سهم درآمدی ۲۰ درصد بالاترین	سهم درآمدی ۴۰ درصد پائینترین	نرخ تورم (درصد)
۱۳۴۷	۱/۷	۳۸/۱	۵۲/۸	۱۴/۰	۱/۶
۱۳۴۸	۲/۰	۳۳/۸	۵۰/۲	۱۵/۰	۳/۷
۱۳۴۹	۱/۹	۳۴/۴	۵۲/۵	۱۳/۴	۱
۱۳۵۰	۱/۸	۳۲/۷	۵۰/۴	۱۴/۶	۵/۶
۱۳۵۱	۲/۲	۳۳/۲	۵۱/۱	۱۴/۵	۶/۳
۱۳۵۲	۱/۸	۳۵/۵	۵۷/۰	۱۲/۲	۱۱/۴
۱۳۵۳	۱/۴	۳۵/۰	۵۵/۰	۱۲/۵	۱۵/۵
۱۳۵۴	۱/۵	۳۲/۰	۵۷/۰	۱۱/۵	۹/۹
۱۳۵۵	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۶/۴
۱۳۵۶	۱	۳۸/۰	۵۶/۰	۱۱/۵	۲۴/۹
۱۳۵۷	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۲/۰	۹/۹
۱۳۵۸	۱/۵	۳۵/۰	۵۸/۰	۰۰۰	۱۱/۲
۱۳۵۹	۰۰۰	۳۶/۰	۰۰۰	۰۰۰	۲۳/۵
۱۳۶۰	۱/۲۹	۰۰۰	۵۸/۰	۱۱/۳	۲۳
۱۳۶۱	۱/۱۵	۳۱/۶	۴۸/۶۴	۱۳/۶۷	۱۹/۱
۱۳۶۲	۱/۲۵	۳۲/۳۳	۴۹/۴۳	۱۳/۲	۱۴/۷
۱۳۶۳	۱/۳۰	۳۲/۹	۴۹/۷۴	۱۳/۳	۱۰/۲
۱۳۶۴	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۶/۵
۱۳۶۵	۱/۱۵	۳۴/۲۵	۵۰/۷۸	۱۲/۷۱	۲۳/۶
۱۳۶۶	۱/۴۳	۳۳/۱۳	۴۹/۳۹	۱۳/۸۶	۲۷/۸
۱۳۶۷	۱/۴۵	۳۲/۱۸	۴۸/۸۶	۱۴/۲۱	۲۸/۹

مأخذ: جدول ۱ و ۲
 ۱۰ درصد فقیرترین، رابطه بین سهم درآمدی کم درآمدها و تورم را قوی تر کرده^۱ در حالیکه آنان با نرخ تورم را تضعیف نموده است.^۲

$$ID_1 = 13/683 - 0/3879F$$

$$R_1 = 0/0929 \quad t = 1/2397$$

(۱). این رابطه بصورت روبرو بدست آمده است.

ID_1 در اینجا معرف سهم درآمدی ۴۰ درصد پائینترین گروه درآمدی است.

(۲). این رابطه بدین صورت محاسبه شده است.

$$ID_2 = 52/961 - 0/2304P$$

$$R_2 = 0/0038 \quad t = 0/238$$

ID_2 در اینجا معرف سهم درآمدی ۲۰ درصد بالاترین گروه درآمدی است.

قسمت عمده تضعیف این روابط چنانچه ملاحظه می شود متعلق به سالهای ۱۳۶۵ به بعد است که ارقام، کاملاً مخالف با نظریات هستند و همانطور که گفته شد علت آنرا باید در کاهش نرخ رشد درآمد ملی طی آن سالها جستجو کرد. البته در این سالها میزان کمک های نقدی و غیرنقدی دولت به کارمندان و کارگران نیز بطورنسبی افزایش یافته است.

۷ - مقایسه ارقام نرخ تورم و حداکثر شکاف درآمدی

شکاف درآمدی در پائینترین حد خود قرار داشته (سالهای ۱۳۵۸ ، ۱۳۶۲ ، ۱۳۶۳) نرخ تورم معادل ۱۱/۲ ، ۱۴/۷۰ ، ۱۰/۲ بوده است و هنگامی که حداکثر شکاف درآمدی در بالاترین مقدار خود بوده (سال ۱۳۵۶) نرخ تورم در سطح نسبتاً بالای ۲۴/۹ درصد قرار گرفته است. در عین حال در پائینترین حد نرخ تورم (سال ۱۳۴۹) حداکثر شکاف درآمدی برابر ۱۸/۱ و در بالاترین آن برابر ۲۲/۱۹ بوده است. نگاهی به این ارقام نیز نشان می دهد که تقریباً توزیع درآمد در

شاید بتوان جمع بندی مطالب بحث شده در قسمتهای پیش را در این قسمت انجام داد: حداکثر شکاف درآمدی در حقیقت اختلاف بین درآمد پائین ترین اقشار جامعه و ثروتمندترین آن را نشان می دهد. انتظار می رود با افزایش نرخ تورم این شکاف افزایش یافته و با کاهش آن کاهش یابد. با استفاده از ارقام جدول (۵) و مدل رگرسیون، آنچه بدست می آید این است که بین نرخ تورم و حداکثر شکاف درآمدی مطابق انتظار، رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد.^۱ اگر چه در فاصله سالهای آخر دوره مورد بررسی این رابطه کمی تضعیف شده است. براساس ارقام موجود زمانیکه حداکثر

جدول (۵): ارقام و حداکثر شکاف درآمدی

۱۳۴۷-۶۸.

سال	حداکثر شکاف درآمدی	سال	حداکثر شکاف درآمدی
۱۳۴۷	۲۲/۴	۱۳۵۸	۲۳/۳
۱۳۴۸	۱۶/۹	۱۳۵۹	۰۰۰
۱۳۴۹	۱۸/۱	۱۳۶۰	۳۲/۰
۱۳۵۰	۱۸/۲	۱۳۶۱	۲۷/۴
۱۳۵۱	۱۵/۱	۱۳۶۲	۲۵/۸
۱۳۵۲	۱۹/۷	۱۳۶۳	۲۵/۳
۱۳۵۳	۲۵	۱۳۶۴	۰۰۰
۱۳۵۴	۲۸	۱۳۶۵	۲۹/۷۸
۱۳۵۵	۰۰۰	۱۳۶۶	۲۳/۱۷
۱۳۵۶	۳۲/۳	۱۳۶۷	۲۲/۱۹
۱۳۵۷	۰۰۰		

مأخذ: جدول ۲

(۱). این رابطه به صورت زیر بدست آمده است.

$$ID_5 = 18/47 + 0/404P \quad r = 0/62 \quad R_2 = 0/38$$

ID، در اینجا معرف حداکثر شکاف درآمدی است.

حالتی که تورم پائینتر بوده عادلانه تر گردیده است.

۸- تورم و توزیع ثروت

ثروت مجموع درآمدهای مصرف نشده و عطایای الهی است که به شکل دارائیهای مختلف نقدی و غیرنقدی در اختیار دارندگان آن بوده و خود ممکن است منشاء درآمدهای دیگر باشد. از آنجا که محاسبه و گردآوری آمار مربوط به توزیع درآمد نیز بسادگی میسر نیست، داشتن آمار و اطلاعات در ارتباط با توزیع ثروت مشکل تر است و در این زمینه آمار قابل استفاده‌ای در دسترس نمی‌باشد. لیکن زمانی که بحث تورم و توزیع درآمد

می‌باید و دارندگان آن بیمی از تورم ندارند بطوریکه حتی دارندگان دارائیهای پولی و نقدی سعی در تبدیل آنها به سمت ثروت‌های قابل نقد غیر پولی می‌نمایند. در این حالت آن عده از اقشار کم درآمد جامعه که دارای چنین ثروت‌هایی نبوده و از طرفی درآمدهای آنان نیز توانائی پس انداز و ثروت اندوزی را به آنان نمی‌دهد بشدت از این وضعیت آسیب می‌پذیرند.

چنانچه می‌توان با نگاهی به ارقام هزینه خانوار به این موضوع پی برد. بسیاری از خانوارها در شرایط اقتصاد تورمی کشور نه تنها قادر به پس انداز و ثروت اندوزی نبوده‌اند بلکه حتی در مواردی هزینه‌های آنان بیش از درآمدهای اکتسابیشان بوده است.^۲ درحالیکه برخی از اقشار جامعه که

به لحاظ آثار و عوارض، تورم و توزیع نابرابر درآمدها در بردارنده عوارض منفی و تبعات نامساعد گسترده‌ای می‌باشند.

انجام می‌گیرد لازم است اشاره‌ای به توزیع ثروت نیز صورت گیرد. زیرا بدیهی است که بر اثر تورم توزیع ثروت حتی بیش از توزیع درآمدها دستخوش تغییر شده و حرکت به سمت ناعادلانه تر شدن را آغاز می‌نماید.^۱ زیرا هنگام تورم ارزش جاری ثروت‌ها و دارائیها همزمان با تغییر قیمت‌ها افزایش

دارای درآمدهای بالا و ثروت‌های بیشتری هستند در شرایط افزایش تورم نه تنها درآمدهایشان افزایش یافته بلکه ارزش درآمدهای اکتسابی دوره‌های قبلی آنها نیز - که تبدیل به ثروت گردیده‌اند - افزایش یافته است. با آنکه گرایش به سمت توزیع نابرابر

(۱) . ر.ک: حسن گلریز، حسابداری اقتصادی. (تهران: انتشارات پیشبرد. ۱۳۶۷). ص ۱۱۸

(۲) . مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سالهای ۶۷-۱۳۶۶. (تهران: مرکز آمار ایران. سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۷).

انتظار می‌رود با افزایش نرخ تورم توزیع درآمدها به سمت نابرابر شدن سوق پیدا کند.

کالاها دستخوش تغییر قرار می‌گیرد (که اثر آنها اگر چه برافزایش ثروتها کاملاً مشخص است) لیکن در شاخص تورم و قیمت‌ها آنگونه که مورد نظر است منعکس نمی‌گردند.

۹ - هماهنگی سیاستهای مبارزه با تورم و توزیع نا عادلانه درآمدها

طی سالهای گذشته دولت همواره از طریق اتخاذ سیاستهای اقتصادی درصدد جلوگیری و مهار رشد قیمت‌ها بوده^۱ و بدین منظور از سیاستهای مختلف پولی و مالی در حد ممکن کمک گرفته است. اگر چه بدلیل شرایط ویژه اقتصادی کشور به خصوص تورم توأم با رکود، برخی از سیاستها با ملاحظه وجود رکود توأم با تورم اتخاذ گردیده و در مواردی جنبه‌های ضد تورمی خود را از دست داده‌اند (چنانچه می‌دانیم در شرایط تورمی عمدتاً سیاستهای انقباضی پولی و مالی بصورت کاهش عرضه پول، افزایش مالیاتها، کاهش هزینه‌های دولت و ... در رأس سیاستهای اقتصادی دولتها قرار می‌گیرند). از طرف دیگر می‌دانیم که به منظور برابرتر کردن توزیع درآمدها توسل

ثروتها در کشورهایی که از نظام سرمایه‌داری تبعیت می‌کنند بالقوه بالاست^۱، بالعکس در کشورهای که سهم و نقش دولت در مالکیت ثروت‌های جامعه پراهمیت است گرایش به چنین سمتی کمتر است. در ایران نیز بسیاری از منابع و ثروت‌های کشور طبق قانون اساسی در تملک دولت است، لذا توزیع نابرابر ثروتها از جهاتی محدود می‌گردد لیکن بنظر می‌رسد طی سالهای اخیر بدلیل شرایط تورمی، توزیع ثروت در میان اقشار جامعه - صرف نظر از آنکه دولت بیشترین ثروتها را در اختیار دارد - به سمت نا عادلانه تر شدن در حرکت بوده است.

هر چند به منظور رفع توزیع نابرابر درآمدها سیاستهای متعددی در اختیار دولتهاست اما انجام این امر در مورد توزیع نابرابر ثروتها به سادگی میسر نیست؛ مگر آنکه سیاست برابر کردن توزیع درآمدها برای مدتهای طولانی استمرار یابد.^۲ از جانب دیگر باید گفت از آنجا که دارائی و ثروتها اغلب، گروه خاصی از کالاها را تشکیل می‌دهند، (زمین، ساختمان، کالاهای مصرفی با دوام، کالاهای سرمایه‌ای...) و به هنگام تورم نیز قیمت آنها بیش از سایر

۱. مالکیت خصوصی عوامل تولید و احترام به حد و اندازه به چنین اصلی را می‌توان دلیل اصلی دانست.

۲. در واقع توزیع برابر درآمدها در بلندمدت به معنای توزیع برابر ثروتها و اقدام در این جهت می‌باشد.

به سیاستهایی از جمله: افزایش مالیاتها و اعمال مالیاتهای تصاعدی برحسب درآمدها و ثروت ها، افزایش پرداختهای انتقالی دولت به اقشار فقیر جامعه، دخالت در توزیع اولیه درآمدها، تعیین حداقل های مزد و درآمد و مشارکت دادن کارگران و کارکنان مؤسسات در سود و سرمایه آنها، صورت می گیرد.

چنانچه ملاحظه می گردد در مواردی، هماهنگی بین سیاستهای ضدتورمی و سیاستهای توزیع درآمد وجود دارد؛ بعنوان نمونه، می توان از افزایش تصاعدی مالیاتها نام برد. در عین حال در پاره ای دیگر از موارد چنین هماهنگی لزوماً موجود نیست؛ بعنوان مثال افزایش پرداختهای انتقالی دولت به اقشار کم درآمد جامعه نوعی افزایش در هزینه های دولت تلقی می گردد که آثار آن بر تورم، بدلیل افزایش قدرت خرید این گروههای درآمدی کاملاً مشهود است. پرداخت سوبسید، توزیع کوپنهای کارمندی و کارگری و رزمندگان، افزایش پاداش ها و ... نمونه هایی از این پرداختها محسوب می گردند که سهم قابل ملاحظه ای از بودجه های جاری دولت را تشکیل می دهند.

با این حال از آنجا که راههای دیگری برای کاهش هزینه های دولت وجود دارد بنظر نمی رسد آثار زیانبار کاهش در اینگونه هزینه ها (هزینه های انتقالی) کمتر از آثار مثبت حذف آنها باشد. نمونه دیگر، ناهماهنگی بین سیاستهای توزیع درآمد و سیاستهای ضدتورمی، سیاستهای درآمدی و تغییر در مرزها و حقوق ها می باشد. چنانچه می دانیم در شرایط تورمی معمولاً دولتها از تغییر در درآمدها و مرزها بدلیل گریز از مار پیچ مزد - قیمت^۲ اجتناب می ورزند. در عین حال که اعمال چنین سیاستی به منظور عادلانه تر کردن توزیع درآمدها نیز ضروری است. تا پیش از سال ۱۳۶۸ دولت در برابر افزایش درآمدها و دستمزدها انعطاف پذیری کمی از خود نشان داد. لیکن تحت شرایطی که تورم در کشور دلایل گوناگون و متعددی دارد، تجدیدنظر در حقوق ها و درآمدها در حدود معتنا بهی اجتناب ناپذیر است.

علاوه بر اینها چنانچه ملاحظه می شود برخی از سیاستهای توزیع درآمدی و ضدتورمی، ارتباط مستقیمی نیز با یکدیگر ندارند؛ بعنوان مثال، سهم نمودن کارگران و

(۳). ر. ک: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ترازنامه و گزارش اقتصادی سالهای مختلف (تهران:

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سالهای مختلف)

(۱). البته سوبسید اعطائی شامل تمامی اقشار جامعه بوده است.

(۲). این نوع از تورم در شرایطی ایجاد می گردد که افزایش دستمزدها، هزینه های تولید و نهایتاً قیمتها را بالا می برد و سپس بدلیل افزایش قیمتها، دستمزدها افزایش می یابد و بدنبال آن مجدداً قیمتها بالا می رود و الی آخر...

با افزایش نرخ تورم، سهم درآمدی ۱۰ درصد فقیرترین کاهش یافته است.

بررسی با مسأله تورم و همینطور توزیع نابرابر درآمدها مواجه بوده است. این دو مسأله صرف نظر از دلایل مقطعی که داشته اند عمدتاً جنبه های ساختاری دارند.

توزیع درآمدها تا حدود زیادی تحت تأثیر نرخ تورم است. آثار افزایش تورم در اقتصاد عمدتاً از طریق توزیع نابرابر درآمدها و فشارهای ناشی از آن در جامعه ظهور می یابد. هم تورم و هم توزیع نابرابر درآمدها آثار و

تبعات منفی و زیانباری از خود برجای می گذارند و می توانند موجبات تغییرات ساختاری در اقتصاد را بوجود آورند، تغییر در نحوه و الگوی مصرف از جمله این تغییرات محسوب می شود.

تورم فقیر را فقیرتر و غنی را غنی تر می نماید. آمارهای موجود در کشور نیز صحت این ادعا را تأیید می نمایند.

— تورم توأم با رکود ممکن است بطور صوری توزیع درآمدها را عادلانه تر نشان دهد.

— سهم گروههای مختلف درآمدی هریک به گونه ای خاص نسبت به نوسانات نرخ تورم عکس العمل نشان داده است. گروههای با درآمد پائین از افزایش نرخ تورم نسبت گروههای با درآمد بالا زیان بیشتری دیده اند.

— توزیع ثروت ها بیش از توزیع درآمدها تحت تأثیر تورم قرار می گیرد. افزایش قیمت

کارکنان در سود و سرمایه مؤسسات — اعم از آنکه این مؤسسات دولتی و یا خصوصی باشند — ناهماهنگی خاصی با سیاستهای ضدتورمی ندارد (از جمله سیاستهای دولت در دوره پس از جنگ و برنامه پنج ساله اعمال چنین سیاستی است که اگر چنانچه بدرستی دنبال گردد می تواند به برابرت شدن توزیع درآمدها و ثروتها در جامعه کمک نماید.)

با این توضیحات می توان گفت در صورتی که مبارزه با تورم به عنوان یک هدف در دستور کار سیاستهای دولت قرار گرفته باشد می توان بطور همزمان با استفاده از سیاستهای هماهنگ توزیع درآمدی استفاده کرد و توزیع درآمدها را برابرتر نمود. و همزمان که با مهار تورم توزیع درآمدها بهبود می یابد با اعمال سیاستهای توزیع درآمدی متناسب با آن این بهبود را شتاب داد.

۱۰ — نتیجه گیری و پیشنهادات

— تورم و توزیع نابرابر درآمدها از مشکلاتی است که اکثر کشورهای جهان با آن مواجه هستند، و مقابله با هر دو از جمله اهداف سیاستهای اقتصادی دولتها محسوب می گردد.

اقتصاد ایران نیز طی سالهای مورد

بین نرخ تورم و حداکثر شکاف درآمدی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد.

تا حدود زیادی به سهم دولتها در اقتصاد بستگی دارد. مقایسه صحیح وضعیت توزیع درآمد کشورها بایستی با توجه به این مسأله مهم باشد. انتظار می رود کشورهایی که دولتها در آن سهم بیشتری در اقتصاد دارند توزیع درآمدهای عادلانه تری داشته باشند.

— سیاستهای توزیع درآمدی و کنترل تورمی باید هماهنگ اتخاذ شوند در غیراینصورت حصول به هر دوی این اهداف میسر نخواهد بود.

— مطالعه ارتباط توزیع درآمد با سایر متغیرهای اقتصادی و از جمله نرخ رشد درآمد و یا تولید ملی می تواند راهنمای کاملتری باشد.

اغلب دارائیهای عمده در کشورهای سالهای گذشته و تحت تأثیر تورم به نابرابری گسترده ثروتها دامن زده است.

— کلیه سیاستهای مبارزه با تورم با سیاستهای مربوط به عادلانه تر کردن توزیع درآمدها هماهنگی ندارند ولی هماهنگی قابل ملاحظه ای بین تعدادی از آنها وجود دارد. که می توان در سیاست گذاریها از آن بهره گرفت.

— مشکل است با داشتن تورم بالا، به توزیع نسبتاً برابر درآمدها دست یافت. در نرخهای تورم پائین این امر ممکن تر بنظر می رسد.

— چگونگی توزیع درآمدها در کشورها

تورم و توزیع نابرابر درآمدها از جمله مشکلاتی هستند که اکثر کشورهای جهان با آن مواجه هستند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱- بار، ریمون. اقتصاد سیاسی. جلد اول. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: انتشارات سروش ۱۳۶۷.

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. آمار اقتصادی. شماره ۲ - ۱۳۶۸.

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه و گزارش اقتصادی سالهای مختلف تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - سالهای مختلف تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - سالهای مختلف.

۴- پازوکی، مهدی. توزیع درآمد و دوگانگی ساختار اقتصادی در کشورهای عقب نگه داشته شده مطالعه موردی ایران. رساله دوره فوق لیسانس. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. ۱۳۶۹.

۵- پژویان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.

۶- پورمقیم، سیدجواد. اقتصاد بخش عمومی. تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.

۷- سازمان برنامه و بودجه. شاخص های توزیع درآمد در ایران ۱۳۵۹-۱۳۴۹. تهران: سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۱.

۸- سازمان برنامه و بودجه. مجموعه اطلاعاتی (قوانین و آمار). تهران: سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۶۹.

۹- کتابی، احمد. تورم. تهران: مولف. ۱۳۶۰.

۱۰- گلریز، حسن، حسابداری اقتصادی. تهران: انتشارات پیشبرد. ۱۳۶۷.

۱۱- مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سالهای مختلف. تهران: مرکز آمار ایران سالهای مختلف.

۱۲- مرکز آمار ایران. شاخص های نابرابری توزیع درآمد. گزارشهای مختلف. تهران: مرکز آمار ایران. سالهای مختلف.

۱۳- مرکز آمار ایران. مقایسه اجزای شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۱. تهران: مرکز آمار ایران. ۱۳۶۳.

۱۴- منتظرظهور، محمود. مقدمه ای بر مبانی سیاست اقتصادی. تهران: دانشگاه تهران ۱۳۵۹.

منابع لاتین (غیر مستقیم) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

1: Loehr, William and John P. Powelson. *Economic development poverty and income distribution*. U.S.A. Westview Press 1977.

2: Campbell R. McConnell. *Economics*. U.S.A: McGraw Hill. 1975.